

کشاکش دولت و نیروهای مذهبی در مورد قوانین و جایگاه زنان در دوره پهلوی دوم (مطالعه موردی مجله "زن روز" در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ش)

دکتر رضا بیگدلو پژوهشگر تاریخ معاصر

چکیده

از آن جایی که بنیان‌های ایدئولوژیک دولت پهلوی را عناصری چون سکولاریسم، غرب‌گرایی و ناسیونالیسم شاهنشاهی تشکیل می‌داد، سیاست نوسازی دولت پهلوی متأثر از دیدگاهی بود که نوسازی فرهنگی را ملازم و حتی مقدمه هرگونه نوسازی اقتصادی و اجتماعی می‌دانست، به تبع آن سیاست‌های فرهنگی حکومت پهلوی هم در نظر داشت، الگوهای فرهنگی جدید غربی را جایگزین الگوهای فرهنگی سنتی و مذهبی جامعه ایرانی نماید. برای رسیدن به این منظور دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت پهلوی به تبلیغ و ترویج این الگوها در بین اقشار مختلف مبادرت می‌کردند. رسانه‌ها و بویژه مطبوعات در این میان نقش برجسته‌ای در این جایگزینی فرهنگی بر عهده داشتند. مطبوعات ایران در این دهه‌ها به ارایه الگوهای پرداختند که عمدتاً برآمده از فرهنگ غربی بود. یکی از پیشروترین این گونه نشریات مربوط به بانوان در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ که در ارایه الگوهای مورد پسند رژیم فعال بود، هفته‌نامه «زن روز» بود. پرسش اصلی این پژوهش این است که سیاست‌های فرهنگی دولت پهلوی در مورد زنان و خانواده بر چه اصولی استوار بوده است؟ در این بررسی که با استفاده از روش تاریخی - تحلیلی صورت گرفته است، از حدود بیست شماره که به صورت تصادفی انتخاب شده است، به نتایجی رسیده است که، مهم‌ترین این یافته‌ها عبارتند از: الگوسازی از فرهنگ و ارزش‌های غربی برای زنان ایرانی در کنار تشویق آنها به کنار گذاشتن فرهنگ خودی جامعه به عنوان عوامل واپس ماندگی زن ایرانی، تلاش و تشویق زنان و موسسات مدنی و قانون‌گذاری برای تغییر قوانین مربوط به زنان و خانواده و جایگزینی قوانین سکولار غربی به جای آنها، تلاش برای حضور هرچه بیشتر زنان در عرصه عمومی و شکستن قیود مذهبی و سنتی در این باره، ترویج ارتباطات آزاد و بی‌ملاحظه دختر و پسر، تبلیغ و ترویج هرچه بیشتر آخرین مدل‌های آرایش و لباس

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۶

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۸

E-mail: bigdelor@gmail.com

اروپایی برای زنان و دختران ایرانی، معرفی خانواده سلطنتی به عنوان الگوهای نمونه زن ایرانی و تلاش در راستای ایدئولوژی شاهنشاهی.

واژگان کلیدی: زن روز، جایگزینی فرهنگی، الگو سازی، سکولاریسم، پهلوی دوم.

طرح مساله

اصلی‌ترین رکن ایدئولوژی دولت پهلوی را نوسازی بر طبق الگوهای غربی می‌توان دانست. بدین خاطر نوسازی جامعه به صورت از بالا به پایین به یک پروژه دولتی تبدیل شد که با اتکا به اقتدار نظامی و درآمدهای نفتی می‌بایست تحقق یابد. شاه یک اعتقاد جبری مسلک پیدا کرده بود که نوسازی فرهنگی، نوسازی اجتماعی و اقتصادی را هم به دنبال خواهد داشت. وی در نظر داشت که ایران را از یک جامعه سنتی به یک ایران مدرن براساس الگوهای غربی و عمدتاً امریکایی تبدیل کند (کمالی، ۱۳۸۱: ۱۸۸). به جز جنبه سیاسی، که از دایره نوگرایی بیرون بود، سایر ابعاد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به شدت متأثر از نوگرایی بودند. اهمیت مدرنیزاسیون در ایدئولوژی و برنامه‌های فرهنگی شاه به اندازه‌ای بود که می‌توان گفت که ایدئولوژی ناسیونالیستی شاه، تحت‌الشعاع مدرنیسم قرار داشت و مدرنیسم و پهلویسم با هم مترادف شده بودند. دولت پهلوی سعی داشت یکی از منابع مشروعیت خود را براساس نوگرایی و دستاوردهای آن قرار دهد. هرچند که گذشت زمان نشان داد که پادشاهی و مدرنیته از بسیاری جهات در تناقض با یکدیگر بودند. (Ansari, 2001: 2-3) رژیم در نظر داشت از نوگرایی فرهنگی جهت سلطه‌پذیری و تداوم حاکمیت خود در جامعه استفاده نماید. الگوهای فرهنگی جدید براساس ارزش‌های غربی توسط دولت ترویج و تبلیغ می‌گردید. به‌طور کلی، هدف این بود که یک جامعه مبتنی بر فرهنگ غربی با تکیه بر نهادهایی چون آموزش و پرورش، رسانه‌های ارتباط جمعی، سیستم حقوقی، هنر و سرگرمی به وجود آید و یک جهان‌بینی جدید توسط گروه‌های سکولار غربی‌شده در جامعه رواج یابد. (fazeli, 2006: 79) با تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات به تصویب رسیده در دوره پهلوی دوم، مهم‌ترین ارزش‌های مبتنی بر این قوانین را گسترش فرهنگ و هنر غربی می‌توان برشمرد (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۵۴).

دهه‌های ۴۰ و ۵۰، شاهد گسترش بیش از پیش فرهنگ و هنر غربی در ایران بود. خوانندگان و هنر پیشگان غربی به سرمشق جوانان ایرانی بدل شدند و ارزش‌های غربی که در بسیاری موارد در تضاد با ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و مذهبی ایرانی بودند، به عنوان ارزش‌های مورد پسند نوین مطرح می‌شدند. با توجه به نقش برجسته‌ای که خانواده و زنان در جهت دهی به گرایش‌های فرهنگی

هر جامعه ای ایفا می کنند، بسیاری از تبلیغات و اقدامات دولت آنها را به عنوان گروه‌های هدف مد نظر داشتند. این فرهنگ یکی از پایه‌های اساسی ایده هویت‌سازی نوین ایرانی در دولت پهلوی بود (صمیمی، ۱۳۸۶: ۱۸۸). بدین منظور، با بهره‌گیری از درآمدهای نفتی و اختصاص بودجه‌های چشمگیر طیف وسیعی از نهادهای رسمی و غیررسمی دست به کار شدند. نهادهای آموزشی، فرهنگی، رادیو و تلویزیون ملی، نشریات، ارگان‌های نظامی، بوروکراسی عریض و طولیل دولتی به فعالیت در این جهت مشغول شدند. شیوه‌های زندگی جدید غربی در شهرهای بزرگ در میان طبقات مرفه بالا و متوسط جدید در حال گسترش بود. کارمندان دولتی اعضای اقتصادی وابسته به دولت، دانشجویان، دانش‌آموزان از گروه‌های مخاطب فعالیت‌های فرهنگی جدید بودند.

در میان نهادهای مروج فرهنگ غربی، نهادهای آموزشی و رسانه‌های جمعی بخصوص تلویزیون اهمیت خاصی داشتند. در نظام آموزشی هدف این بود که گروه جدیدی از معلمان تربیت شوند تا پرورش نسل جدید را براساس هویت فرهنگی جدید عهده‌دار شوند. رژیم اقدام به تأسیس مدارس نمود که دختران و پسران به صورت مختلط در سطح دبیرستان شبانه‌روزی به تحصیل می‌پرداختند (اطلاعات بانوان، ۱۳۴۸/۴/۴). گروه‌های پیشاهنگی با پوشش و آموزش‌های خاص غربی شکل گرفته بود و بسیاری از نهادهای دیگر نیز این چنین گرایش داشتند. شیوه زندگی «جوانانه آمریکایی» مدلی بود که به شدت توسط فیلم‌های تلویزیونی، سینمایی، مجلات و آگهی‌های بازرگانی برای قشر جوان تبلیغ می‌شد. موسیقی‌های غربی، بویژه موسیقی پاپ از تلویزیون ملی معرفی و پخش می‌شد (اجلالی، ۱۳۸۱: ۳۱۵). مراکزی چون کاخ‌های جوانان و کلوب مجردها برای معاشرت آزادانه دخترها و پسرها ایجاد می‌شد (اطلاعات بانوان، ۱۳۵۳/۱۱/۲). در عرضه و معرفی فرهنگ غربی به مردم ایران، بدترین و مبتذل‌ترین جنبه‌های این فرهنگ انتخاب می‌شد. فیلم‌های آمریکایی بیش از سی درصد برنامه‌های تلویزیونی و پرده‌های سینما را تسخیر کرده بودند (روبین، ۱۳۶۳: ۱۹۴). به گفته رضا براهنی در اشاعه فرهنگ غربی، ایرانیان تبدیل به مصرف‌کننده‌ی ته مانده فرهنگ غرب شده بودند. زن آرمانی که در تلویزیون، مجلات و دستگاه‌های ایدئولوژیک رژیم عرضه می‌شد، نمونه‌ای کاملاً سکولار و سطحی غرب بود، که برگرفته از ستاره‌های سینمایی هالیوودی و سینمای غربی بود. پیوسته آخرین مدل‌های ماه و سال لباس و آرایش زنانه غربی در مجلات و رسانه‌های کشور معرفی می‌شد (براهنی، ۱۳۴۹: ۶۵). فرح در خاطراتش دولتی بودن این سیاست را به صراحت عنوان می‌کند، از جمله بیان می‌کند که به رضا [قطبی مدیر رادیو و تلویزیون ملی] گفتم که چرا خوانندگان و هنرپیشه‌های ایرانی در تلویزیون پوشیده هستند، پاسخ داد که آنان خود راضی به عریانی نیستند. «از رضاجان

خواستم به تهیه‌کنندگان این برنامه‌ها دستور بدهد تا از خوانندگان و هنرمندان عریان‌تر استفاده کنند». نیز به نشریات دستور دادم رعایت خرافات و نادانی عمومی در نام فناتیکِ عفت و حیا را کنار بگذارند. و به قطبی گفتم که زمان و شمار برنامه‌های تلویزیون را افزایش دهد تا از تعصبات مردم کاسته شود (پهلوی، ۱۳۸۲: ۵۵۳).

وضع فرهنگی شهرهای بزرگ، بویژه تهران، به‌گونه‌ای شده بود که به گفته خانم رابین رایت، وابسته سیاسی آمریکا در ایران، «در سال‌های ۱۹۷۳ ایران کشوری بود که برای زنان آمریکا جاذبه داشت. من در سفر به آن کشور، خود را در یک کشور اروپایی حس می‌کردم. همه جا می‌توانستم بروم. عملاً هر کاری می‌توانستم بکنم و هر لباسی که دوست داشتم بپوشم. دامن‌های کوتاه در ایران مد بود و در ساحل دریا زنان ایرانی بیکنی می‌پوشیدند» (رایت، ۱۳۸۴: ۱۲). فرح نیز یادآور می‌شود که دختران و زنان غربی شده به استفاده از مدهای غربی روی آوردند و چادر و روسری را کنار گذاشتند، به‌طوری که یک روزنامه انگلیسی نوشت: «مینی‌ژوپ از انگلستان برخاست، اما کوتاه‌ترین دامن‌ها متعلق به مینی ژوپ پوش‌های ایرانی است» (همان: ۵۵۴). در میان ساز و برگ‌های ایدئولوژیک دولت، رسانه‌ها در شکل دهی به الگوهای فرهنگی دولت از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در اهمیت رسانه‌ها همین بس که مک لوهان و مانوئل کاستلز، از بزرگ‌ترین دانشمندان معاصر، «رسانه را همان پیام» تعبیر کرده‌اند که بیانگر کارکرد ایدئولوژیک آنها و حضور سیاست در عرصه رسانه‌ها می‌باشد (کاستلز و انیسن، ۱۳۸۴: ۱۲۰). با تکوین رسانه‌های جمعی چایی بود که پدیده‌های ایدئولوژیکی توانستند به عنوان پدیده‌های «توده‌گیر» ظاهر شوند، زیرا پیش از آن گردش و پیدایش صور نمادین محدود به محل‌های خاص یا اقشار و محافل خاصی بود. پیدایش رسانه‌های جمعی بیش از پیش بر ویژگی توده‌گیر بودن پدیده‌های ایدئولوژیکی تأثیر گذاشته است. این رسانه‌ها به‌صور نمادین امکان می‌دهد در مقیاس بی‌سابقه برای رسیدن به انبوه مخاطبین به‌طور هم‌زمان انتشار یابند که تا پیش از این زمان بی‌سابقه بوده است (آشنا، ۱۳۸۴: ۲۲۹).

دهه‌های ۴۰ و ۵۰، شاهد دگرگونی‌های شگرف و شتابناک اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران و به‌بیانی شاهد پوست اندازی ظاهری زندگی اجتماعی برخی از طبقات در ایران بود. هرچند آغاز دهه ۴۰ را دولت با ورشکستگی اقتصادی آغاز کرد، با حمایت‌های آمریکا و سپس انفجار قیمت نفت، برنامه‌های نوسازی دولت، بافت شهری ایران را کاملاً دگرگون ساخت. ساختمان‌های بلند، هتل‌ها، فرودگاه‌ها، دانشگاه‌ها، شعبه‌های بانک‌های ایرانی و اروپایی، بوتیک‌ها، رستوران‌ها، کاباره‌ها ظاهر و نمای شهرها، بویژه تهران را عوض کردند. خیابان‌هایی جدید با نام‌هایی جدید، چون الیزابت، آیزنهاور و غیره، پدید

آمد، و کم‌کم شناخت تهران و یافتن محله‌های قدیمی دشوار شد. با وجود این که به سبب گسترش وسایل ارتباط جمعی، در زمانی که آن را عصر ارتباطات نامیده‌اند، گرایش برخی از اقشار جامعه به فرهنگ غربی به نام فرهنگ جهانی چیز عجیب و غریبی نیست، مسأله مهم در دهه‌های مورد بحث تصدی‌گری دولت در نوسازی فرهنگی جامعه براساس الگوهای غربی است. رژیم، نوسازی جامعه را به ابعاد اقتصادی آن محدود نمی‌کرد، بلکه از نظر بسیاری از عوامل رژیم، اکثر جنبه‌های فرهنگ ایرانی عقب‌مانده و مایه شرمساری بود و باید ریشه‌کن می‌شد، و نسل جدیدی پرورش می‌یافت که از الگوی فرهنگی و هویتی جدیدی برخوردار شود. رژیم با توجه به بهبود وضعیت مالی، نهادهای فرهنگی جدیدی تأسیس کرد که در سطح آسیا چشمگیر بود و کوشید تا از طریق این نهادها و بویژه رسانه‌های جمعی، چون رادیو و تلویزیون، به اجتماعی کردن افراد براساس اهداف خود بپردازد. در این رسانه‌ها افزون بر برنامه‌های سیاسی، برنامه‌های گوناگونی پخش می‌شد تا سبک‌های زندگی جدید را گسترش دهد (سیاوشی، ۱۳۸۰: ۴۶).

تصمیم‌ها و اقدام‌های گسترده رژیم بیانگر شتاب روزافزون گسترش فرهنگ و هنر غربی بود. مروری بر اقدامات فرهنگی رژیم در زمینه‌های سینما، موسیقی (اجرای کنسرت‌های خارجی و پیروی از شیوه‌های موسیقی غربی)، هنر (انواع هنرهای نمایشی و تجسمی و ...)، تبلیغات فرهنگی (دختر شایسته، زن و مرد روز)، الگوهای فرهنگی پوشش و مدهای آرایش کاملاً نشان تقلید از سبک‌های فرهنگی و هنری غربی بود که توسط دستگاه‌های تبلیغات رسمی به آنها دامن زده می‌شد. این سیاست در نظر داشت بخش‌های مهمی از فرهنگ مذهبی و سنتی ایرانی را به حاشیه راند. بروز چنین وضعی ریشه در گرایش‌هایی داشت که دستاوردهای فرهنگی و هنری غرب را همانند دیگر دستاوردهایش در عرصه صنعت و اقتصاد مقدم بر فرهنگ و هنر ایرانی می‌دانست (همان: ۲۵۷). به گفته جلال آل احمد، از اهداف عمده این «رنگین‌نامه‌ها» آن بود که با سرگرم‌سازی توده‌ها و بویژه جوانان، آنان را از واقعیت‌های اجتماعی بی‌خبر نگه دارند. به سبب آنکه این مجلات فرهنگ غربی را تبلیغ می‌کردند و به‌عنوان نمونه‌ای نفرت‌انگیز از حمایت رژیم از فرهنگ غربی بودند، زمینه را برای از خودبیگانگی فرهنگی مردم مهیا می‌کردند و آنان را به سمتی می‌راندند که از قبول مسؤلیت اجتماعی خودشان شانه خالی کنند. دادن مجوز به این‌گونه مجلات توسط حکومت و حمایت مالی از آنها سیاستی بود که توده‌ها را از مسایل اصلی زندگی اجتماعی و سیاسی خود باز دارند و گواه دیگری بود بر جهت‌گیری غربی حکومت (آل احمد، ۱۳۳۸: ۶).

هر چند نوگرایی با الگوی غربی، راهبرد چیره‌فعالیت‌های فرهنگی رژیم بود، ترویج ناسیونالیسم شاهنشاهی، تبلیغ انقلاب سفید، مبارزه با کمونیسم و غیرسیاسی کردن اقشار جامعه از دیگر اهداف کلان بود که به خوبی این گرایش‌ها در اقدامات و فعالیت‌های دولت بویژه در عرصه رسانه‌ها قابل شناسایی و ردیابی است. مطبوعات ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به ارایه‌الگوهای پرداختند که عمدتاً برآمده از فرهنگ غربی بود. خوانندگان و هنرپیشگان غربی به سرمشق جوانان و زنان ایرانی بدل شدند و ارزش‌های غربی که در بسیاری موارد در تضاد با ارزش‌ها و هنجارهای ایرانی بود، به عنوان ارزش‌های موردپسند نوین مطرح می‌شدند (علینی، ۱۳۷۴: ۶۰). از آن جایی که زنان در خانواده نقش محوری دارند و خانواده کارکردهای متعددی در جامعه عهده دار است، زنان یکی از مهم‌ترین اقشاری بودند که مخاطب سیاست‌ها و برنامه‌های دولت قرار گرفتند. جامعه‌شناسان نقش‌های متعددی چون اجتماعی کردن فرزندان، محافظت روانی از آنان، از میان برداشتن تنش‌ها، رشد و ثبات شخصیت کودکان و نوجوانان، آموزش و تربیت آنها، کنترل اجتماعی فرزندان و ارضای نیازهای جنسی و عاطفی مردان را بر عهده زنان و به طور کلی خانواده می‌دانند (شیخی، ۱۳۸۰: ۴۴ و اعزازی، ۱۳۸۲: ۱۷۰). بنابراین هر گونه دگرگونی در دیدگاه‌ها و نقش زنان، دگرگونی در کل جامعه را به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر موفقیت برنامه‌ها در مورد زنان تضمینی برای موفقیت در کل جامعه بود. بدین خاطر بود که زنان به شدت در معرض برنامه‌ها و تبلیغات و اقدامات دولت قرار گرفتند. برای ارایه‌شواهد و مدارک تجربی بیشتر در ارایه‌الگوهای فرهنگی مطبوعات و استفاده از آنها به‌عنوان ابزارهای سلطه و اشاعه‌ایدئولوژی به تحلیل محتوای زن روز پرداخته می‌شود.

مجله زن روز: یک مورد از پیشروترین نشریات دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در ارایه‌الگوهای موردپسند دولت زن روز بود. در زمینه ارایه‌الگوهای فرهنگی غربی می‌توان آن را یکی از پیشروترین مجلات ایران برشمرد. سرمقاله و مقالات اصلی که نشانگر خطمشی فکری و وابستگی به حکومت است، به ارایه‌سخنان، پیام‌ها و گزارش‌ها یا تحلیل‌هایی از شاه و خانواده سلطنتی همراه با عکس‌های بزرگی از آنها بود. این مجله از تاریخ ۸ اسفند ۱۳۴۳ با مدیریت فروغ مصباح‌زاده و سردبیری مجید دوامی شروع به انتشار کرد و از نشریات مؤسسه کیهان بود. به‌طور میانگین محتوای این هفته‌نامه ۳۴ صفحه عکس، ۳۴ صفحه آگهی، ۱/۵ صفحه سرمقاله، ۵ صفحه عکس و خبر، ۲ صفحه عشق و آرایش، ۳ صفحه ستارگان سینما، ۲ صفحه ستارگان ایرانی، ۲ صفحه علمی - پزشکی، و ۲/۵ صفحه متفرقه می‌باشد (برزین، ۱۳۵۴: ۹۰).

با بررسی و تحلیل محتوای حدود سی شماره از مجله زن روز که به صورت تصادفی انتخاب شده است مهم ترین محور های فعالیت و اهداف مجله را به شرح ذیل می توان برشمرد:

۱- تشویق و زمینه سازی برای حضور هر چه بیشتر زنان در عرصه عمومی مطابق الگوهای غربی:

به طور کلی بین سیاست ها و اقدامات فرهنگی و اجتماعی دولت با اهداف مجله زن روز نزدیکی مستقیمی وجود دارد. با توجه به این که در دهه های چهل و پنجاه تمامی نشریات منتقد و آزاد تعطیل شده بودند و تیغ سانسور حتی شامل نشریات دولتی و نیمه دولتی چون کیهان هم می شد. موسسه کیهان هم همانند اطلاعات مورد حمایت و وابسته به دولت محسوب می شد و در راستای اهداف و سیاست های آن فعالیت می کرد. بدین خاطر می توان به جرات گفت که در هیچ دهه ای چون دهه های چهل و پنجاه مطبوعات در خدمت دولت نبوده و در راستای اشاعه برنامه ها و اهداف آنان انجام وظیفه ننموده بودند (همان: ۹). در اهمیت این مجله برای دولت و رژیم پهلوی و تلاش در راستای تبلیغ و ترویج ایده های آنها همین بس که اولین شماره مجله با پیام فرح منتشر می شد. وی در این پیام با اظهار خوشوقتی از انتشار این مجلات پیشرو اظهار امیدواری می شد که زن ایرانی بتواند همگام با مرد در جامعه به صورت فعال ظاهر شود و همانند سایر کشورهای مترقی دنیا شغل های متعدد را عهده دار شده و در ساختن جامعه و مدنیت نوین کشور دین خود را ادا نماید (زن روز، ۱۳۴۳/۱۲/۸). انتشار مجلاتی چون زن روز در راستای اقدامات و سیاست های فرهنگی جدید دولت انجام می پذیرفت. اصلاحات موسوم به انقلاب سفید در نظر داشت که جامعه ایرانی را از یک جامعه سنتی و واپس مانده به یک جامعه مترقی همانند کشورهای اروپایی تبدیل کند. یکی از اصول اصلی انقلاب سفید هم دادن حق رای به زنان و تلاش برای حضور هر چه بیشتر آنان در عرصه اجتماعی و تامین حقوق مساوی با مردان برای آنان بود که مدعی بودند، این حقوق در جامعه دینی و مذهبی از آنان سلب شده بود. مجله در راستای اهداف انقلاب سفید و همگام با انجمن هایی چون انجمن زنان ایران تلاش می کرد ضمن حمایت از اقدامات دولت در دادن حقوق اجتماعی و مدنی بیشتر برای زنان حتی گام را فراتر گذاشته و خواهان حقوق بیشتری شود. دست اندر کاران مجله تلاش می کردند یک جنبش فمینیستی همانند کشورهای غربی در کشور پدید آورند. از جمله مجید دوامی سردبیر مجله در سرمقاله ای با انتقاد از وضعیت موجود نابرابر زن و مرد در جامعه اظهار داشته بود که در وضعیت فعلی مرد نسبت به حقوق زن

متجاوز است و زنان در حکم بردگانی برای آنان هستند. در چنین وضعیتی نه عشقی بین زن و مرد می‌تواند پدید آید و نه استواری و استحکام خانواده‌ها می‌تواند تداوم یابد. چاره این است که زن و مرد باید در قلب و وجدان جامعه سهم و جای مساوی داشته باشند (زن روز، ۱۳۵۴/۵/۴). از آن جایی که در بین مطالب نشریات مهم‌ترین قسمت که مبین دیدگاه‌های اساسی دست‌اندرکاران نشریه است، سرمقاله می‌باشد. از این رو در سر مقاله‌های متعددی به ارایه دیدگاه‌های سردبیر برای درخواست تساوی حقوق و تغییر قوانین موجود اختصاص داده شده بود. از جمله در سرمقاله‌ای عنوان می‌کند که قانون فعلی حمایت از خانواده ناقص است و حقوق کامل و انسانی را تامین نمی‌کند. سپس در خواست کرده بود که قوانینی در جهت تساوی کامل زن و مرد باید به تصویب برسد (۱۳۷۴/۴/۱۵). در شماره‌های دیگری با بیان‌ها و قلم‌های مختلف درخواست‌های مشابهی تکرار شده بود. مجله که خود را نماینده تمامی زنان ایران می‌دانست، تاکید می‌کرد که زنان ایرانی تساوی محدود را بر نمی‌تابند و باید تساوی کامل برقرار شود (۱۳۴۷/۳/۱۸ و ۱۳۴۷/۵/۵). سال‌های ۴۵ و ۴۶، سال‌هایی بود که تقریباً در تمامی شماره‌های آن درخواست‌ها و مطالبی درباره اصلاح و تجدید نظر در قوانین خانواده و زنان به چاپ می‌رسید. سلسله مقالاتی با عنوان «انقلاب آرام» درباره روند تساوی حقوق زنان در کشورهای اروپایی به منظور الگوسازی برای زن ایرانی برای درخواست اصلاحات در حقوق آنان منتشر می‌شد. همچنین مقالات متعددی در لزوم تجدیدنظر در قوانین موجود که به زعم آنان باعث پایمال شدن حقوق زن ایرانی می‌شد، منعکس می‌شد. هم‌زمان با این درخواست‌ها، دولت هم در سال ۴۵ لایحه موسوم به لایحه حمایت از خانواده را به مجلس شورای ملی تقدیم کرد. مجید دوامی نقش مجله زن روز را در این باره بیان می‌کند که از دو سال پیش مجله فریاد زنان را به گوش مجلس و دولت رسانید و سمینارهای حقوقی متعددی با همیاری ابراهیم مهدوی دادیار دیوان عالی کشور برگزار کرده و نقاط ضعف قانون فعلی را در بخش زنان و خانواده بیان کرده تا زن را از زیر سلطه جابرانه مردان نجات دهد (همان، ۱۳۴۵/۱۲/۶). در نوشته دیگری ابراهیم مهدوی درباره قانون موجود می‌گوید که عدالت و انصاف می‌گوید، قانون مدنی باید به نفع زن اصلاح و تجدیدنظر اساسی شود. زیرا این قانون زن را در حال تزلزل، نگرانی و عدم اطمینان نگه می‌دارد. (همان: ۴۲). بدین ترتیب لایحه حمایت از خانواده که به گفته مجله دارای اصول انقلابی بود. با تجدید نظر در مورد طلاق و دادن آزادی کار به زنان و محدود کردن ازدواج مجدد مردان و تعیین تکلیف دادگاه برای طلاق و حضانت فرزندان و موارد دیگر به تصویب رسید (همان، ۱۳۴۵/۱۲/۱۳).

از آن جایی که مجله مدافع حقوق مساوی بین زن و مرد بود و بین نقش های اجتماعی آنها تفاوتی قایل نبود، یکی از محورهای فعالیت و تبلیغات مجله این بود که زنان هرچه بیشتر از عرصه خصوصی وارد عرصه عمومی شوند. زنان ایرانی همانند زنان اروپایی می بایست به فعالیت و کار مشغول می شدند. در سر مقاله ای عنوان می شد که «زنی که از جامعه بریده و در خانه اسیر مانده و از دنیای متری و متجدد جدا مانده است نه می تواند به خودش خدمت کند و نه به خانواده و نه به مملکت و آب و خاکش» (زن روز، ۲۵۳۶/۷/۲). آشکارا مجله دنبال این است که زن ایرانی را از حوزه خصوصی وارد عرصه عمومی نماید. گزارش های متعددی هست که زنانی را نشان می دهد که همانند مردان در شغل های مختلف فعالیت می کند و این کار را گامی اساسی برای به دست آوردن آزادی، حقوق مساوی، اعتبار و احترام اجتماعی می دانست، زیرا داشتن شغل و گرفتن حقوق باعث ایجاد استقلال زن از مرد و قطع وابستگی زن می شود (۱۳۴۷/۴/۲۹). یکی از گزارش ها در این باره گزارشی از اشتغال به کار زنان در کلانتری ها و پاسگاه ها به عنوان پاسبان است که با تصاویر متعددی از فعالیت آنان همراه است. در این گزارش زنان ایرانی با لباسی اروپایی و تفنگ به دست در حال انجام ماموریت خویش است (۱۳۴۵/۱۲/۱۳). در سرمقاله دیگری با عنوان «زن سال کیست» می آورد که زن سال همه زنانی هستند که زنجیرهای اسارت گوناگون روحی و مادی را شکسته اند و آزادانه در عرصه زندگی پیش می روند. زن سال همه کسانی هستند که در جاهای مختلف کار می کنند تا ثابت کنند که زن ایرانی نه در حرف بلکه در عمل با مرد ایرانی مساوی و برابر است (زن روز، شماره مخصوص، ۱۳۴۶).

۲- تشویق و ترغیب الگوهای غربی به عنوان الگوهای ایده ال برای زن و خانواده ایرانی:

بیشترین مطالب مجله اختصاص به معرفی شیوه های زندگی، نوع روابط زن و مرد، طرز لباس پوشیدن، معاشرت، مدهای آرایش، لباس، دکوراسیون، آشپزی و فعالیت های اجتماعی غربی دارد. الگوهای مطلوب و ایده الی که زن و خانواده ایرانی از آنها باید تقلید و الگوگیری نماید، این الگوها هستند. هنرپیشه های هالیوودی و اروپایی همراه با تصاویری که اغلب هم سیگاری در دست دارند، به همراه گزارش ها و خبرهای مفصل از مضامین عمده مجله است. آخرین مدهای لباس از پاریس و ایتالیا با عکس های نیمه برهنه و برهنه صفحات متعددی تقریباً از همه شماره ها را در بر می گرفت.

لباس های فصل بهار، پاییز، زمستان و تابستان و یا معرفی لباس و پوشش های مخصوص دریا در فصل شنا، لباس های خواب و حتی تبلیغ لباس های زیر با تصاویر رنگی و نیمه عریان در همه شماره‌ها دیده می‌شد. تقریباً صفحه پشت جلد همه شماره‌ها عکس زنی نیمه برهنه با آرایش غربی است. از گزارش های مهم و هر ساله مجله گزارش های مفصلی از انتخاب ملکه زیبایی در جهان و هم چنین گزارش های متعددی از انتخاب دختر شایسته سال ایران و اعزام وی به مسابقات جهانی با عکس ها و تفصیلات است (۱۳۵۳/۳/۴).

گزارش های مختلفی از هنرپیشه های غربی و ایرانی با شرح خاطرات و زندگی آنها از مطالب عمده است. در مقاله های متعددی سعی می‌شد که شیوه های زندگی و معاشرت غربی را جایگزین روش های سنتی و مذهبی موجود نمایند. این مقاله ها که آن را کارشناسان مسائل تربیتی و روان شناسی عنوان می‌کنند و آنها را نتیجه تحقیقات علمی معرفی می‌کنند، مبتنی بر الگوهای غربی و مغایر با قوانین اسلام و عرف جامعه بود و هیچ گونه تناسبی با الگوهای مذهبی و سنتی جامعه ایران نداشت؛ برای نمونه درباره نوع روابط و معاشرت دختر و پسر و حضور دختران در پارتی های مختلط بیان داشت که محدود داشتن دخترها و ممانعت از حضور آنها در پارتی های مختلط مخاطرات عمده‌ای را برای آنها به بار می‌آورد. با توجه به حساس و عاطفی بودن دختران، آنها دچار لطمات شدید روحی و عاطفی شده و اعتماد به نفس آنها و ایمان آنها به زندگی به شدت تنزل می‌یابد و حتی ماندن آنها در محیط های زنانه احتمال هم جنس گرایی را در آنها به شدت افزایش می‌دهد. در نهایت پیشنهاد می‌کرد که معاشرت بین دختر و پسر باید عادی شود و وظیفه پدر و مادرهاست که روابط بین دختر و پسر را عادی جلوه دهند (همان، ۱۳۵۴/۱/۹). در مقاله دیگری که آن را نخستین تحقیق علمی درباره سکس در ایران نام نهاده اند، پس از بررسی ابعاد مختلف مسایل جنسی در ایران و ناپهنجاری های موجود در این باره به دولت پیشنهاد می‌داد که برای این که ناپهنجاری های موجود از بین برود و روابط جنسی به شکل مطلوبی درآید باید: ۱- مطبوعات و رادیو تلویزیون در آموزش سکسی شرکت کنند. ۲- آموزش سکس از دبستان آغاز شود و تا دانشگاه ادامه داشته باشد. ۳- کلینیک های سکس ایجاد شود. ۴- عروس ها و دامادها قبل از ازدواج باید آموزش ببینند (همان، ۱۳۵۴/۵/۴). به طور کلی مجله در داستان های دنباله دار، خاطرات، تبلیغات و چاپ عکس ها می‌خواهد ساختارهای سنتی و مذهبی ایرانی را بشکند و به جای آن یک الگوی فرهنگی از نوع مبتذل و تجاری جایگزین نماید؛ برای نمونه داستان های دنباله داری چون زن صد ستاره خاطرات زنی را بیان می‌کرد که معشوقه مردان متعددی بوده و با آنها روابطی داشته است (۱۳۴۷/۳/۴). یا داستان دختر بلهوس هم مضمونی مشابه

دارد که با استفاده از جذابیت های خود به شکار مردان ثروتمند و جذاب اقدام می کرد (۱۳۴۶/۴/۲۴). در ارایه الگوهای رفتاری و ظاهری در سال ۵۰، ۶۳/۸ درصد مدهای مختلف و ۱۵/۵ درصد را آرایش به خود اختصاص داده است (کربلایی نظر، ۱۳۷۱: ۹۶-۶۷). سهم آگهی های تبلیغاتی ۷۳/۲ درصد در مقابل ۲۶/۸ درصد سایر مطالب محتوای مجله بوده است. معرفی دختران شایسته و شرح مسافرت ها و زندگی آنها (زن روز، ۱۳۵۳/۳/۴)، آخرین مدهای لباس آرایش، دکوراسیون، لباس های زیر زنانه (همان، ۲۵۳۵/۷/۲) با تصاویر برهنه زنانه و مطالبی همانند یک گزارش انقلابی درباره «روابط زناشویی، سکس و وزن» از جمله مطالب آن می باشد (۲۵۳۵/۷/۲). در دهه ۵۰، سهم مطالب سرگرمی و تفریح مجله افزایش یافته و به ۳۴/۷ درصد کل مطالب می رسد (کربلایی نظر، همان: ۶۱). فرح در خاطراتش درباره نقش مجلات در تشویق و ترویج الگوهای فرهنگی غربی می گوید: «خوشبختانه در مطبوعات ایران، افراد فهیم و دانایی چون دوست عزیزم پری اباصلتی، سردبیر مجله اطلاعات بانوان و آقای مجید دوامی، سردبیر مجله زن روز، بودند. این دو نشریه پیشگام دریدن پرده های تعصب و جاهلیت شدند. این نشریات جو سنگین جامعه عقب افتاده و مذهبی ایران را شکافتند» (پهلوی، همان: ۵۵۳).

۳- انتقاد از ارزش های مذهبی و سنتی:

در مقابل حضور پر رنگ و چشمگیر ارزش ها و الگوهای فرهنگی غربی، ارزش های مذهبی امکان حضور در مطالب مجله نمی یافتند. به صورت های گوناگون قوانین مدنی را که بر مبنای قوانین فقه اسلام بود، عامل اسارت و بدبختی زن معرفی می کرد. و به صورت های غیر مستقیم سعی در تحقیر و بی اعتبار نشان دادن این ارزش ها می کرد. در بیشتر مطالب نمادهای مذهبی نشانگر سنتی ماندن و واپس ماندگی و بی خبری از مدرنیته نمایانده می شد. در یک داستان دنباله داری دختران شهرستانی از شیراز با چادر به دانشگاه تهران می آمدند و آنها پس از ورود به تهران و آشنایی با دوستان و محیط تهران کم کم چادر را به کنار نهاده و در ادامه ماجراهای عاشقانه ای برای آنها پدید آمد. همچنین در گزارش ها و خبرهایی که در مورد مسایل اجتماعی و جنایی بیان می شد زنانی که با چادر و پوشش مذهبی حضور داشتند، عمدتاً مربوط به زنان طلاق و یا زنانی است که فرزندان آنها دچار بزهکاری شده اند. در مسابقاتی که درباره خانواده نمونه برگزار می شد و این خانواده ها با گزارش و تصاویر در مجله معرفی می شدند، حتی یک مورد هم خانواده ای با حجاب و پوشش مذهبی و سنتی دیده نمی شد (زن روز، ۱۳۴۵/۱۲/۱۳).

۴- تبلیغ مصرف گرایی:

به طور کلی دوره پهلوی مرحله مهمی برای برخی از زنان اقشار طبقات متوسط و بالا در غرب گرای و دور شدن از فرهنگ و آداب و رسوم سنتی و مذهبی بود. سیاست غربی کردن کشور باعث پیدایش اقتشاری از جامعه شد که دارای ذائقه جدیدی برای محصولات غربی بودند. این طبقات مرفه با ثروت‌های کلان، مرتب به مسافرت خارجی می‌رفتند، مصرف‌کننده فرآورده‌های فرهنگی و تجملی غربی بودند. از نظر بسیاری از آنان، فرهنگ ایرانی عقب‌مانده و مایه شرمساری در پیش اروپاییان بود و می‌باید ریشه‌کن می‌شد. مجله در تبلیغ آخرین مدهای لباس، جواهرات، دکوراسیون، آرایش مو و صورت پیشتاز بود. در اکثر شماره‌ها صفحه ویژه‌ای با عنوان «آخرین مدهای پاریس، لندن، رم و نیویورک» (همان، ۱۳۵۳/۳/۴) داشت و آخرین مدها و کالاهای اروپایی و امریکایی با تصاویر سکسی و مهیج تبلیغ می‌کرد. به طور کلی به نظر می‌رسد گروه مخاطب مجله طبقات مرفه و غربگرایی باشند که با پول‌های کلان خود توانایی خرید این کالاها را داشته باشند. هیچ گزارش، مطلب، مقاله و تصویر عمده‌ای وجود نداشت که در آن به مسایل، خواست‌ها، مشکلات و نیازهای طبقات سنتی و پایین جامعه در آنها منعکس شده باشد. از واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران خبری نبود. گویی که مجله در پی برآورده کردن نیازهای قشر خاصی از جامعه است. به نظر می‌رسد که طبقه سرمایه‌داری وابسته هم شرایط را برای تامین نیازهای طبقه مرفه فراهم کرده باشد. چنانچه در گزارشی در یکی از مجلات این دوره آمده است که در یک گشت و تحقیق در بوتیک‌های پاریس، رم، لندن و تهران به این نتیجه می‌رسیم که خرید اجناس اروپایی در بوتیک‌های تهران، از خرید همان اجناس از بوتیک‌های اروپا راحت‌تر و ارزان‌تر است (اطلاعات با نوان، ۱۳۵۳/۷/۱۷).

۵- تلاش برای ایجاد مشروعیت برای دولت پهلوی و توجیه سیاست‌ها و اقدامات آنان:

از آن جایی که مجله یک نشریه وابسته به حکومت بود، در راستای تبلیغ و توجیه سیاست‌ها و اقدامات دولت و خانواده سلطنتی بسیار فعال بود. معمولاً بسیاری از سر مقاله‌ها و یا اولین صفحات مجله به انعکاس سخنانی‌ها، اقدامات، مسافرت‌ها و یا چاپ تصاویر آنها اقدام می‌کرد (زن روز، ۱۳۴۶/۱۲/۱۲). از آن جایی که اقدامات و سیاست‌های دولت پهلوی در راستای غرب‌گرایی و نوسازی جامعه بر طبق الگوهای غربی بود، توجیه این اقدامات و سیاست‌ها از محورهای اساسی مجله

به شمار می رفت. در حالی که از دید اکثریت مردم ایران اقدام رضاشاه در کشف حجاب اجباری یک جنایت و مهم ترین عامل ایجاد نارضایتی از وی بود. مجله هفده دی ماه ۱۳۱۴ ش. را یک روز تاریخی درخشان در زندگی زن ایرانی معرفی می کند. این مرحله درخشان از زندگی زن ایرانی در روز هشتم اسفند ۱۳۴۱ به مرحله پیروزی قاطع رسید. و آخرین زنجیر از اسارت زن ایرانی هم در ۲۴ تیرماه با تصویب لایحه حمایت از خانواده گسسته شد (همان، ۱۳۴۷/۱۲/۳). به دنبال این مرحله بود که از زنان ایرانی می خواهند که با سیاست های دولت همگام بوده و در حالی که با انقلاب شاه و مردم ظلم و بیاد تاریخی در حق زن ایرانی از بین رفته است و زنان به حقوق مساوی با مردان دست یافته اند. اکنون با رستاخیز ملی ایران زنان ایرانی هم باید فصل تازه ای را در حیات خود بکشایند (همان، ۱۳۵۴/۱/۳۰). در سر مقاله ای شاه را بانی آزادی زن و اعطای حقوق سیاسی و اجتماعی به وی می دانسته و می افزاید: «اگر زن فردا مستقل تر و داناتر از زن دیروز و امروز بشود، این نعمت و ثمره فرمان شجاعانه و انقلابی هشتم اسفند ۱۳۴۱ شاهنشاه است که زن را به تحرک و خود شناسی واداشت و راه ترقی و تعالی را پیش پای او گشود» (همان، ۱۳۴۲/۱۲/۶). همچنین مجله به ارائه یک الگوی کامل و نمونه از خانواده سلطنتی برای زنان و فرزندان ایرانی می پرداخت. با چاپ گزارش ها، اخبار و تصاویری از زندگی خانوادگی، اقدامات خیرخواهانه و مسافرت های آنان، خانواده سلطنتی را انسان هایی نمونه در مسؤولیت پذیری، مردم داری و نیکوکاری معرفی می کرد. مجله در نظر داشت بویژه از شاه و فرح انسان هایی کاریزمایی بسازد. در یکی از مسافرت های فرح به استان کردستان که همواره به صورت مفصل این مسافرت ها با تفصیلات تمام انعکاس یافته است. یک چهره بسیار مردمی از فرح به تصویر کشیده شده که در حالی که خاک بر چهره و مژگان شهبانو نشسته به صحبت های مردم گوش می دهد. پیرزنی بدون پا، با چوب های زیر بغلش به جلو می خزید و می گفت آهای شهبانو من دو تا پا می خواهم. مرد کردی می گفت به خدا شهبانو برای دیدنت دو روز پیاده آمده ام و دیشب را همین جا روی زمین خوابیده ام (۱۳۴۷/۵/۲۶). در گزارش دیگری فرح را یک مادر نمونه، یک کدبانو، یک وطن پرست، یک هنردوست و یک یتیم پرور نمونه معرفی نموده (همان، ۱۳۴۵/۱۲/۲۰)، و ابعاد مختلف فعالیت های وی را با تفصیلات تمام بیان می کند.

رویارویی استاد شهید مطهری با گرایش های زن روز:

به دنبال چنین خواست هایی مبنی بر کنار گذاشتن قوانین اسلامی و جایگزینی آنها با قوانین غربی و طرح الگوهای غربی برای زنان ایرانی بود که شهید مرتضی مطهری قلم به دست گرفت و در

پاسخ به این درخواست‌ها سلسله مقالاتی درباره نظام حقوق زن در اسلام به نگارش درآورد و در سال‌های ۴۵ و ۴۶ ش. در همین مجله به چاپ رسانید. هر چند به خاطر استفاده از این رسانه مورد انتقاد برخی قرار گرفت، اما گام محکمی در دفاع از قوانین مذهبی و نشان دادن منطق قوانین دینی در مورد تفاوت حقوق زن و مرد و برتری حقوق اسلامی بر حقوق غربی زن برداشت. خود ایشان در این باره می‌نویسند: «در سال ۴۵ که تب تعویض قوانین مدنی در مورد حقوق خانوادگی در سطح مجلات، خصوصاً مجلات زنانه بالا گرفت و نظر به این که بسیاری از پیشنهادهایی هم که می‌شد بر خلاف نصوص مسلم قرآن بود، ناراحتی‌هایی در میان مسلمانان ایجاد کرد» (مطهری، ۱۳۵۳: ۲۶). به پیشنهاد یکی از علمای تهران ایشان قلم به دست گرفته و در دفاع از قوانین فقهی اسلام درباره زنان و روابط خانوادگی و زناشویی سلسله مقالاتی را نگاشته و به مجله زن روز ارسال کرده و از تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۴۵ در آن مجله درج گردید. ایشان در طی ۳۳ مقاله که در دفاع از حقوق و قوانین اسلامی و جایگاه شایسته خانواده در آن نوشتند، به صراحت اسلام را دارای قوانین مترقی‌ای در این باره دانستند. ایشان هر چند وجود ظلم و اجحاف در حقوق زنان در جامعه را می‌پذیرفتند و حتی قانون مدنی موجود را هم قابل دفاع نمی‌دانستند و روش‌ها و سنت‌های موجود درباره زنان در بین اکثریت جامعه را صحیح و منطبق با عدالت نمی‌دانستند و خود به صراحت لزوم اصلاحات در این باره را یادآور می‌شدند، اما علت نابسامانی و پایمال شدن حقوق زنان در جامعه را نه ناشی از تبعیت از فقه و قوانین اسلامی می‌دانستند، بلکه بر این عقیده بودند که اسلام بزرگ‌ترین احیاکننده حقوق زنان در جهان است و تاکید داشتند که قوانین اسلامی با ملاحظات دقیق روانی، طبیعی و اجتماعی صادر شده و حیثیت و شرافت انسانی زن و مرد به صورت مساوی در آنها لحاظ شده است و در صورت عمل صحیح به آنها بهترین ضامن حسن روابط خانوادگی و تامین حقوق انسانی زنان است (مطهری، همان: ۳). مطهری راه حل مشکلات زنان را نه در دنباله روی از الگوهای غربی، بلکه اجرای صحیح و کامل قوانین اسلامی می‌دانست (زن روز، ۱۳۴۶/۱/۱۹). همچنین دنباله روی دولت و عوامل وابسته به آن از غرب را در تغییر قوانین رد کرده و اقدامات دولت در کارهایی چون ایجاد مدارس مختلط را مورد انتقاد قرار داده (مطهری، بی تا: ۹۵) و خطاب به آنان می‌نویسد: «غرب پرستان ما سعی دارند بانوان ایرانی را در مسیری بیندازند که زنان امریکایی رفته‌اند.» و به اذعان خود مجله گرفتار مشکلات و مسایل متعددی شده‌اند که یکی از آنان افزایش شدید طلاق است. چنانکه خود مجله در گزارشی طلاق گرفتن زنان امریکایی را راحت‌تر از گرفتن تاکسی می‌داند (زن روز، ۱۳۴۶/۲/۱۶). مطهری برهنگی را بیماری عصر حاضر دانسته و وضعیت زنان در غرب را با عصر جاهلیت عرب مقایسه می‌کند که زنان برهنه ظاهر می‌شدند و آن را جاهلیت

جدید می نامد (زن روز، ۱۳۴۶/۲/۱۶). پیدایش فمینیسم و طرح تساوی حقوق برای زنان را در راستای تامین منافع سرمایه داری غرب دانسته، زیرا آنان از یک سو به نیروی کار ارزان آنها در مقایسه با مردان نیاز دارند و از سوی دیگر با بهره کشی از زیبایی و عفت زنان، برای فروش بیشتر تولیدات خود تلاش می کنند (مطهری، ۱۳۵۳: ۱۹). مطهری با آوردن گزارش ها و مثال های متعددی از زندگی و کار زنان مساوی با مردان و معطلات و مشکلات اجتماعی آنها پس از به دست آوردن حقوق مدنی پیشنهاد می دهد که دوباره حقوق زن مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار گیرد و این ارزیابی باید بر اساس طبیعت انسانی و مجموع تجربیات تلخ و شیرین گذشته و مخصوصاً قرن حاضر صورت گیرد (همان: ۲۵). ایشان در سال ۱۳۵۳ نتیجه مجاهدت های قلمی خود را در نوشتن مقالات در مجله ها و کتاب ها درباره زنان و خانواده را مثبت اعلام کرده و آنها را در جامعه تاثیر گذار دانسته است. به طوری که به دنبال این کارها حتی برخی از زنان به اصطلاح متجدد نیز عملاً در وضعیت خود تجدید نظر کردند (مطهری، بی تا: ۱۲).

نتیجه

دولت پهلوی با اقدامات و سیاست های ساختارشکن خود به دنبال جایگزینی فرهنگ و ارزش ها و قوانین غربی به جای قوانین و ارزش های سنتی و مذهبی بود. یکی از مهم ترین ابزارهای دولت در تبلیغ و ترویج سیاست های خود در این باره رسانه ها و بویژه رسانه های چاپی همانند زن روز بود. به دنبال تبلیغات همه جانبه و اقدامات متعدد در غربی کردن زن ایرانی، مهم ترین نتیجه ای که از روند و نتیجه نوسازی برای زنان نوگرا به دست آمد، از خود بیگانگی و الیناسیون فرهنگی بود که با کنده شدن از فرهنگ و ارزش های سنتی و مذهبی به آن دچار گردید. این زنان نوگرا هم از ارزش های خود کنار افتادند و هم وعده ها و آرمان های خود را که در پرتو امواج مدرنیسم دولت پهلوی به انتظار نشسته بودند، قابل تحقق ندیدند، زیرا هر چند دولت پهلوی برای آزادی زنان و تغییر قوانین و ایجاد تساوی به نفع آنان سینه چاک می کرد، اما در نهایت هدفی جز استفاده ابزاری از زن وجود نداشت. به بیان فرد هالیدی با وجود این که «دولت ایران خود را قهرمان حقوق زنان جلوه داده است، ولی مانند اصلاحات ارضی و اتحادیه های کارگری فرمایشی، در این مورد نیز هدف آن بوده است که تغییراتی در جامعه برای تسهیل کار دولت به وجود آورد و از ظهور جنبش های مستقل از دولت که می توانستند، درخواست های حاد و جدی داشته باشند، جلوگیری کند» (هالیدی، ۱۳۵۸: ۲۶). به رغم همه این

تبلیغات و با وجود این که برخی از زنان طبقات بالا و متوسط جدید همگرایی‌هایی با سیاست‌های دولت پهلوی نشان دادند، اکثریت زنان جامعه همچنان بر ارزش‌های فرهنگی سنتی و مذهبی خود پافشاری کردند. بویژه در دهه پنجاه بیش از پیش نه تنها اقشار سنتی، بلکه زنان تحصیل کرده هم، به نمادها و ارزش‌های مذهبی روی آوردند (علم، ۱۳۷۱: ۷۷۲) و در قبال سیاست‌های دولت موضع گرفتند و به گفتمان بازگشت به خویشتن روحانیون و روشنفکران پاسخ مثبت دادند.

Archive of SID

منابع

- اجلالی، پرویز (۱۳۸۱) *دگرگونی اجتماعی فیلم های سینمایی در ایران*. تهران: فرهنگ و اندیشه. آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۴) *از سیاست تا فرهنگ*. تهران: سروش.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴) *دولت و فرهنگ*. تهران: انتشارات ایران.
- آل احمد، جلال (۱۳۳۸) *ورثکستگی مطبوعات، علم و زندگی*. تهران: فروردین.
- براهنی، رضا (۱۳۴۹) *تاریخ مذکر*. بی نا.
- برزین، مسعود (۱۳۵۴) *مطبوعات ایران (۱۳۴۱-۱۳۵۳)*. تهران: انتشارات بهجت.
- پهلوی، فرح (۱۳۸۲) *دختر یتیم*. جلد ۱. تهران: نشر به‌آفرین.
- رایت، رابین (۱۳۸۴) *آخرین انقلاب بزرگ*. ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.
- روبین باری (۱۳۶۳) *جنگ قدرت‌ها در ایران*. ترجمه محمود شرقی. تهران: نوید.
- سیاوشی، سوزان (۱۳۸۰) *لیبرال دمکراسی در ایران*. تهران: باز.
- صمیمی، مینو (۱۳۸۶) *پشت پرده تخت طاووس*. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: اطلاعات.
- علم، اسدالله (۱۳۷۱) *گفتگوهای من با شاه*. جلد ۵. تهران: انتشارات طرح نو.
- علینی، محسن (۱۳۷۴) *مطبوعات ایران از کودتا تا انقلاب*. تهران: رسانه، س ۶ ش ۱، بهار.
- کاستلز، امانوئل و مارتین انیسن (۱۳۸۴) *گفت‌وگوهایی با مانوئل کاستلز*. ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی. تهران: نشر نی.
- کربلائی‌نظر، فرید (۱۳۷۱) *تحلیل محتوای مقالات خانوادگی مجله زن روز*. پایان‌نامه علوم اجتماعی دوره کارشناسی. تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- کمالی، مسعود (۱۳۸۱) *جامعه مدنی*. دولت و نوسازی در ایران معاصر. ترجمه کمال پولادی. تهران: باز.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۳) *نظام حقوق زن در خانواده*. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____ (بی تا) *مسئله حجاب*. قم: صدرا.

مجله اطلاعات بانوان

مجله "زن روز" در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ش

Ansari, Ali M. (2001), The Myth of the White Revolution, Middle Eastern Studies, Vol 37. NO.3, Jul.

Moaddil, Mansoor , (2001) Condition for Ideological Production, The Origins of Islamic Modernism in India, Egypt and Iran, Theory and Society, Vol 3. NO 5, oct.

Fazeli , Nematollah, (2006), Politics of Culture in Iran, Routledge, London- Newyork.